

جوانان مهدوی

از مهم ترین ویژگی های اصحاب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جوانی و جوان گرایی است. «آنان هم خود جوانند و هم امورشان را به جوانان می سپارند. تنها به همان درصد که در غذا نمک ریخته می شود، پیرانی در میانیشان یافت می شود و مابقی همه جوانند».

جوانانی پر شور و نشاط که در همان جوانی ره صد ساله را پیموده اند و به نهایت درجه توحید و معرفت خداوند رسیده اند: «رجالٌ عرفوا اللهَ حقَّ معرفتِهِ». رادمردانی که خدا را آن گونه که باید شناخته اند. جوانانی پر توان که هر کدامشان از توان و نیروی چهل مرد بهره مندند و خوف و خشیت الهی قلوبشان را لبریز کرده و به نهایت درجه شهود و شهادت نزدیک گردانده است. از این رو، همواره طالب شهادتند و مهم ترین آرزوی شان این است که در راه خدا و در رکاب امامشان به شهادت برسند.

وعده خدا

شفیعه اسماعیلی؟

موعود می رسد، بی شک!

او وعده خداست!

اما...

آیا تو می رسی

هر روز سربلند

به وعده ای که می دهی او را

در عهد صبحگاه؟

انتظار منتظر، آدمی را بلند نظر می کند و بلند همت. اگر دیدت بیش از خودت و مشکلاتت قد نمی دهد و همتت روز به روز افزون نمی شود.

انتظار، ساکن و ساکت چشم به راه دوختن نیست. اگر منتظر موعودی، باید شور و گرمی انتظارش در رگ زندگی و روح بندگی ات هر لحظه جاری باشد.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مهربان تر از هر کس، برای بالیدن و پریدن دعا می کند. تو نیز به رسم دوستی و مرام مردانگی، دست کم روزی یک بار برای سلامت و ظهورش دعا کن! او، چهار فصل، منتظر بازگشت ماست. اما معلوم نیست ما منتظر آمدن کدام فصل پنجمیم که در آن بیدار شویم از این خواب سرد زمستانی؟

بیدار باش، هوشیار و زیرک!

شیطان بزرگ و شیطان کوچک بساط پهن کرده اند تا تو را، انتظارت را، و آرمان هایت را به بازی و بازیچه ای بخرند. هوشیار باش انتظارت رنگ نبازد.

وقتی او بیاید، تو آن طور که هستی، دیده می شوی و آن قدر که استعداد داری، کشف! اگر کمی زیرک باشی، به خاطر خودت و توانایی هایت هم که شده، برای آموزش دعا می کنی.

بی شک، می آید با ۳۱۳ نفر که به حقیقت خود را ساخته اند! فکر می کنی جای تو در آن سپاه خودساخته و از خود گذشته کجاست؟

شک نکن که می آید، با ۳۱۳ انسان که هم خودشان و هم زمینه فرجش را آن طور که سزااست، آماده کرده اند. نکند غافل بمانی و حسرت ثمره این روزهایت شود که: من هم می خواستم شروع کنم، من هم قصد داشتم بزرگ شوم، من هم می خواستم... می خواستم... آن وقت با تمام وجود درک می کنی: «انّ الانسان لَفی خُسْر...» ولی می شود تقدیر را جور دیگری رقم زد: «انّ الانسان لَفی خُسْر انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر؛ ایمان بیاور، به نیکی عمل کن و تا می توانی خودت و هم نوعانت را به عدالت و صبر دعوت کن». آن وقت، تو دیگر از زبان کاران نخواهی بود. اگر تو تنها جمعه ها انتظار آمدنش را ندبه می خوانی، او صبح و شام، در قنوت و سجده دعای بازگشت تو را ندبه می کند!

چه دست و دل بازی زیان باری! حتی ذره ای حیفمان نمی آید تمام دارایی مان؛ عمرمان را در جایی غیر از خیمه امن و الهی صاحب عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خرج کنیم؟ عاقبت زمین و زمان، فردای آمدنی روزگار از آن آدم هایی است که پرهیزکارند آن ها که تا قدرت دارند، پرهیز می کنند؛ پرهیز از هر چیز یا هر کس یا هر جایی که خط فاصله ایی است میان آن ها و آسمان.

پرهیز خیلی هم سخت نیست. وقتی تو بدانی و باور داشته باشی که ریز برنامه ها و رفتارهای زندگی ات را معصومی دلسوز ارزیابی می کند، برای دل بزرگ و مهربان او هم که شده، پرهیز خواهی کرد! امتحان کن.